

بیانات در دیدار با رئیس جمهور موقت افغانستان و رهبران مجاهدان افغانی - 11 / مهر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

به همهي آقایان محترم و برادران عزيز که میهمانان ارجمند جمهوری اسلامی و مجاهدان فی سبیل الله هستند، خیر مقدم و خوش آمد عرض می‌کنم و از خداوند متعال مسألت می‌نمایم که این اجتماعات و گفتگوها و تلاشهایی را که شما به آن مشغولید، مشمول فضل و رحمت خود قرار بدهد و برکت ببخشد؛ چون نه فقط يك ملت، بلکه دنیاي اسلام چشم انتظار کارهاي شماست.

امروز، اگرچه در محافل سياسي و در گفتگوهاي سياسيون عالم، مسأله‌ي افغانستان يك مسأله‌ي صرفا سياسي و بين‌الدولي است؛ اما از نظر ملت‌هاي مسلمان، يك مسأله‌ي اسلامي است که به سرنوشت دنیاي اسلام و آینده‌ي بين‌الملل اسلامي ارتباط تام و تمامی دارد.

آنچه بحمدالله، هم براي همهي مسلميني که از مسایل جاري این منطقه و افغانستان مطلع و آگاه هستند و هم بخصوص براي ملت افغانستان و ایران مایه‌ي خشنودي و خوشحالي است، این است که مبارزات شما پس از سالها رنج و زحمت، به يك نتیجه‌ي مقطعي و مرحله‌يي نایل آمد و ثابت شد که يك ملت، هر چند هم تنها و مستقل و علي‌الظاهر بي‌پناه باشد، اگر جهاد کرد، خدای متعال به او کمک می‌کند و با اراده‌اش معادلات جهاني را به هم خواهد زد - که به هم زد.

کسي باور نمی‌کرد که ملت افغانستان خواهد توانست نیروهائي را که با کمیت زیاد و با اراده و تصمیم قاطع وارد افغانستان شده بودند، از این کشور بیرون کند. جز ملت افغانستان، هیچ کس دیگر نبود که بتواند این کار را بکند. اگر کسي، دولتي، سياسي، ادعا کند که او در چنین کاري مؤثر بوده است، حتما گزافه است. فقط اراده‌ي ملت افغانستان و جهاد بزرگ و بسیار مراتبار این ملت مؤثر بوده است.

اگر شما جهاد نمی‌کردید و اگر آن جبهه‌هاي سخت و محروم از اولیات زندگی، با آن فداکاري تلاش نمی‌کردند، ممکن نبود دشمن از خاک افغانستان بیرون برود. البته، تغییر سياستها در داخل شوروي هم مؤثر بود، اما آن چیزی که زمینه‌ي تغییر سياست را فراهم می‌کرد، جهاد ملت افغانستان بود؛ والا ملتي که مثل بره، رام و مطیع دشمنان و اشغالگران باشد، هیچ کس اراده نخواهد کرد که او را رها کند. این اراده و جهاد شما بود که بحمدالله موفق شدید.

یادم می‌آید که در آن دوران سخت، حتي خود عناصر مؤثر مجاهد افغانستان هم وقتي اوضاع را بررسی می‌کردند، افق روشني را نمی‌دیدند. هر چند با اعتقاد به حکم و قضای الهي، اجمالا هر مؤمني معتقد است که خدای متعال پیروزي را به مؤمنین خواهد داد، اما در مورد افغانستان، هیچ فرمول ظاهري براي این کار وجود نداشت؛ ولي شما دیدید که پیروزي واقع شد. امروز هم شما به سمت پیروزي نهایی حرکت می‌کنید و باید حرکت کنید.

آنچه مهم است، این است که همان عواملی که در آن روز به شما کمک کرد تا بتوانید مجاهدت کنید، امروز هم لازم است تا کمک کند که بهترین راه را انتخاب کنید و قویترین تصمیم را بگیرید و قدم آخر را بردارید. هنوز ملت افغانستان قدم آخر را برنداشته است و حیف است که انسان بعد از رسیدن به دروازه‌هاي پیروزي، متوقف شود و نتواند خود را به پیروزي برساند. اگر انسان ببیند شناگري نیرومند و چیره‌دست، با شنا از دریا عبور کرده تا خودش را به ساحل برساند، اما در يك كيلومتری ساحل، خدای نکرده برایش عارضه‌يي پیش بیاید، خیلی تأسف می‌خورد.

من امروز مسایل شما را می‌دانم و از طرق سياسي و معمولي و مذاکرات فراواني که با اغلب شما آقایان محترم - که از دوستان خیلی نزدیک و قدیمی من هستید - داشته‌ام، در جریان آن هستم. امروز مشکل شما، مسأله‌ي اختلافات داخلی است که باید آن را برطرف کنید. دشمن مایل است که اختلافات روزبه‌روز بیشتر مشتعل شود و در همه جا بهانه هم زیاد دارد؛ بخصوص در افغانستان که بیش از بعضي جاهاي دیگر، بهانه براي اختلاف وجود دارد. اگرچه به نظر ما، اختلاف شيعه و سني در حقیقت اختلاف نیست؛ زیرا در اصول اصلي اسلام - که اگر کسي آنها را

نداشت، مسلمان نیست - مشترکند؛ یعنی هر دو مذهب، به قبلی واحد، خدای واحد، پیامبر واحد، قرآن واحد و احکام و ارکان واحد اسلامی معتقدند؛ اما شما ببینید که استعمار در طول زمان از طرح مسأله‌ی شیعه و سنی در مقابل یکدیگر، چه وسیله‌ی اختلافی - بخصوص در محافل پایین‌تر و نسبت به اوساط پایین مردم که از معرفت و توجه، قدری دورتر هستند - درست کرده است.

قبل از انقلاب، ما در ایران تلاش زیادی داشتیم که این اختلافها برطرف شود، منتها تلاشها فردی بود؛ ولی بعد از انقلاب، سیاست جمهوری اسلامی این بود که بین برادران، وحدت و تفاهم ایجاد کند تا به هر دو طرفی که اختلافات خودشان را آن قدر عمیق و غیرقابل التیام می‌بینند، ثابت شود که در اشتباهند. بحمدالله علی‌رغم آن‌همه فشاری که دشمن وارد کرد، در داخل کشور موفق شدیم. شما غالباً جزئیات را نمی‌دانید؛ ولی اگر زمانی اینها نوشته بشود، آن وقت منصفان عالم خواهند فهمید که در این ده سال، ما برای ایجاد وحدت، از جانب توطئه‌های استعمار چه کشیدیم و متوجه خواهند شد که آنها با چه طرقي وارد شدند تا برادران مسلمان را در مقابل هم نگهدارند. ما همیشه به علمای فریقین گفته‌ایم، شما که می‌دانید وحدت و اتحاد حق است، بنابراین باید این نکته را به مردم خودتان و به عوام تفهیم کنید. البته، مخلصان قبول کردند و به همان اندازه هم تأثیر گذاشته‌اند.

چون من قبلاً در خراسان بوده‌ام و این استان با افغانستان هم‌مرز است، قبل از انقلاب دایماً رفت و آمد و ارتباط داشتم. به‌علاوه از طریق طلاب افغانی مقیم مشهد، در جریان مصایب افغانستان بوده‌ام. بنابراین من می‌دانم - و شما هم خوب می‌دانید - که تعصبهای قومی و مذهبی و گرایشهای سیاسی، بهانه‌ی برای ایجاد اختلاف در افغانستان است. به هر حال، دشمن بهانه‌ی زیادی برای ایجاد اختلاف دارد. باید بر این بهانه‌ها فایق آمد و این کار، یک عزم توحیدی و الهی و پیامبرماب لازم دارد؛ همان طوری که پیروان و انصار انبیای الهی، واقعا با عزم راسخ وارد میدانها شدند.

سختی این میادین، کمتر از سختی میدان جهاد با تفنگ و مسلسل و ضدهوایی نیست. میدان خیلی دشواری است که بایستی بر آن فایق آمد. شما، رهبران و بزرگان و مرشدان مردم هستید. باید روی این مسأله کار کنید و علاوه بر ایجاد وحدت در میان مردم گوناگون از اقوام و تیره‌های مختلف افغانی با مذاهب مختلف و دادن پیام آرامبخش وحدت به آنها، تلاش کنید که پیام آرامبخش وحدت در خود دستگاه سیاسی و میان تلاشگران سیاسی به‌وجود آید. اگر یک طرف هم احساس کرد که حق او تضییع می‌شود، اغماض و تسامح و علاقه به وحدت را بر آنچه که او حق خودش می‌داند، غلبه دهد.

همه باید تلاش کنند تا وحدت ایجاد شود. البته در طول این چند سال گذشته - بخصوص در یک سال اخیر - مکرراً به برادران مستقر در پاکستان و ایران گفته‌ایم که افغانستان جز با وحدت گروهها و نیروها، نخواهد توانست به مقصود خودش دست یابد. اگر کسی خیال کند که با حذف این گروه یا آن دسته، خواهد توانست کار را به پیش ببرد، اشتباه کرده است. امروز مشکل اصلی، مشکل اختلاف است. باید هدف عمومی و اصلی، ایجاد وحدت باشد. همه هم باید کمک بکنند. آنهایی که بزرگترند، بیشتر باید تلاش کنند و آنهایی هم که کوچکترند، باید تلاش کنند تا این وحدت ان‌شاءالله انجام بگیرد.

افغانستان، یک کشور و ملت مسلمان خالص با سوابق دیرین در فرهنگ اسلامی است. ملت افغانستان، حق زیادی در اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی دارد. کتب حدیث و تفسیر و فقه و تاریخ و امثال اینها، که در طول قرون متمادی از افغانیها صادر شده، چند برابر آن مقداری است که کشورهای مغرب اسلامی توانستند به‌وجود آورند. یعنی تولید اسلامی ملت افغانستان، یکی از تولیدهای درجه‌ی یک محسوب می‌شود که بسیار باارزش است. بنابراین، ملت افغانستان در فرهنگ و موارث اسلامی، دارای حق است. ملتی با این خصوصیات که کشورش کشور اسلامی است، قاعدتاً حکومتش هم باید اسلامی باشد.

امروز که روز شروع کارتان است، باید ببینید که وحدت را از چه راهی می‌توانید تأمین بکنید. امروز وحدت برای شما، هم تاکتیک و هم استراتژی و هم یک اصل اسلامی است و همیشه برای شما لازم است. امروز اگر بخواهید به قضایا خیلی سیاسی نگاه کنید، وحدت برای شما لازم است. البته نباید به وحدت به چشم تاکتیک نگاه کرد؛

وحدت يك اصل اسلامي است: " واعتصموا بحبل الله جميعا". يعني اعتصام به حبل الله، جميعا و مجتمعا لازم است. اعتصام به حبل الله، به صورت تك تك ممكن نمي شود: " ولاتفرقوا". اميدواريم كه خدای متعال به شما برادران عزيز افغاني كمك كند، تا ان شاء الله آن سعي صدر و سماحت لازم و وسعت نظري را كه به ايجاد وحدت كمك خواهد كرد، به دست آوريد. ما در کنار شما بوديم و هنوز هم هستيم. يكي از اهداف بلندگوهائي استعمار اين است كه بين ملتهاي برادر، جدائي بيندازند. اختلاف، صرفا بين اعضاي يك ملت كه ايجاد نمي شود، بلكه طرح اختلاف ميان ملتها، بخصوص دو ملت مانند افغانستان و ايران كه مسائيلشان به طور كامل به يكديگر مرتبط است و هر حادثه يي كه در اين جا اثر بگذارد، در آن جا هم اثر خواهد گذاشت و بعكس، مي تواند آثار سويي دربر داشته باشد.

بلندگوهائي سعي داشتند و دارند كه روزه روز بين اين دو ملت جدائي بيندازند؛ اما ما در سخت ترين شرايط نيز، هيچ مصلحتي را بر مصلحت دفاع از افغانستان غلبه نداديم. همهي شما مي دانيد كه تهران زير موشك بود و هر شبانه روز، ده تا پانزده موشك - بلكه بيشتري - وارد تهران مي شد و منفجر مي گرديد و دهها انسان را از بين مي برد و خانه هايي را خراب مي كرد. آن روز، علاج كار اين بود كه به يك طرف لبخند بزويم؛ ولي در جهت رضاي الهي نزديم و آن شرايط سخت را تحمل كرديم.

قبل و بعد از آن نيز در طول جنگ تحميلي هشت ساله، بخش عمده از زحماتي كه متحمل شديم، به خاطر موضع قاطع و صريحي بود كه در امر افغانستان داشتيم. آن موضع، امروز هم وجود دارد و هيچ فرقي نكرده است. امروز هم ما در کنار ملت و جهاد و وحدت افغانستان و نيز حكومت اسلامي آينده اش قرار داريم. اگر كسي بخواهد اين وحدت را بشكند و در داخل ايجاد فتنه كند، با او احساس برادري نخواهيم كرد و او را دست شيطان به حساب خواهيم آورد. كساني كه خودشان و زبان و عملشان تفرقه انگيز است، به اعتقاد ما ايادي شيطان هستند. برادري و مسلماني، اين گونه نمي شود.

اميدواريم خدای متعال به ما و شما توفيق دهد تا ببينيم كه قضيه ي افغانستان، در همان شكل مطلوب اسلامي خودش قرار گرفته است و اين جهاد پاكيزه و مخلصانه و مظلومانه ي شما، به آخرين نتايج خودش نايل آمده است. مجددا از شما آقايمان كه لطف كرديد و به اين جا - كه خانه ي شماست - تشريف آورديد، تشكر مي كنم. مردم هم برادران شما هستند، ما هم در خدمت شما هستيم.
والسلام عليكم و رحمه الله و بركاته